

تقدّم علم الصرف و أطوار تطوره

* سیدرضا نجفی

جامعة اصفهان

خلاصة المقال

قد كثرت المؤلفات و المصنفات الصرفية طوال تكوين العلوم العربية في العالم الاسلامي و هذه الكثرة دليل على شدة احتياج من يريد ان يفهم النصوص العربية الى هذا العلم. فهل في كل هذه التأليفات جديد لم يكن في غيرها؟ أم ان الجديد غير المادة و هو أسلوب العرض و تناول و الترتيب فموضوع هذا البحث العلمي ترتيب الابواب الصرفية في الكتب الصرفية و النحوية و قد اشرنا الى المراحل الثلاث التي تطورت و توسعت حتى وصل العلم الى كماله و قد ذكرنا ان علم الصرف كان سابقا جزء من الكتب النحوية و قد كان المؤلف النحوي يهتم بعلم الصرف في بداية كتابه او في نهايته ثم استقل عم النحو و صار علما اصليا كسائر العلوم العربية و كان يسمى بعلم التصريف او الصرف و قد اشرنا الى معنى اللغوي و الاصطلاحي للصرف كما عددنا الكتب الهامة المولفة و اصحابها.

المصطلحات الرئيسية: الصرف، التقدم، التعلوا.

پیشینه و روند پیشرفت علم صرف

سیدرضا نجفی

استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه اصفهان

چکیده

علم صرف از جمله علوم اساسی زبان عربی است که در جهت فهم زبان قرآن رتبه اول اهمیت را حایز است. در بررسی صرفی واژه‌های قرآنی ضرورت داشت برای آشنایی دقیق با یک واژه و دیدگاه‌های گوناگون صاحب‌نظران به کتب صرف مراجعه گردد و در این مراجعات مکرر، به ترتیب و نحوه تألیف و پیشینه و روند پیشرفت علم صرف به نحوی که در این مقاله گزارش شده است، دست می‌یابیم. اگرچه در بعضی از کتب پیشین، علم نحو مقدم بر علم صرف آمده است، لیکن علم صرف دارای تقدم رتبه است. چرا که علم نحو پس از فراهم گشتن ساختمان کلمه و آشنایی با زوایای مختلف یک واژه، به عنوان اصلاح ترکیب و کلام در بین دانشمندان علوم عربی مطرح می‌گردد. آشنایان به زبان عربی و علوم قرآنی، به خوبی می‌دانند که مباحث اصلی و ابواب کلی کتب صرف، تقریباً در همه کتب صرف قدیم و جدید وجود دارد و آن چه وجه تمایز این کتب نسبت به یکدیگر است، همان نظم و ترتیب خاص هر کدام از این تألیفات است که لباس نو به مطالب اصلی، پوشانده و آن را متناسب به نیاز زمان عرضه کرده است. در این مقاله، ضمن معرفی علم صرف، چگونگی پیدایش و روند پیشرفت و شمار تألیفات این علم، در دوره‌های مختلف، از زمان ادغام با علم نحو تا مرحله جدایی و بالاخره استقلال کامل، با بررسی وجوه اشتراک و اختلاف هر یک مورد تجزیه و تحلیل و نقد قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: پیشرفت، علم صرف.

مقدمه

در بررسی دانش‌های مختلف مربوط به زبان عربی، علم صرف از نظر مراحل رشد و تکامل، از ویژگی خاصی برخوردار است. در بررسی صرفی واژه‌های قرآنی ضرورت داشت برای آشنایی دقیق با یک واژه و دیدگاه‌های گوناگون صاحب‌نظران، به کتب صرف مراجعه گردد. در این مراجعات مکرر، به ترتیب و نحوه تألیف و پیشینه و روند پیشرفت علم صرف به نحوی که در این مقاله گزارش شده است، دست می‌یابیم. در روزگاری علم صرف بخشی از علم نحو بود و دانشجویان و پژوهشگران، مباحث صرف را در کتب نحوی آن هم به‌طور اختصار می‌یافتند. این دسته از کتب نحوی نیز در ارائه مطالب و ترتیب مباحث یکسان نیست؛ بلکه بعضی نحو را مقدم و بعضی صرف را مقدم داشته‌اند، تا این‌که با رواج و توسعه دانش و تخصصی شدن علوم، انگیزه جدایی این دو علم و تفکیک مرز هر کدام به اثبات رسید و علمی به نام تصریف و پس از آن به نام صرف به ظهور رسید. دوران پیدایش علم صرف و تألیفات فراوان آن - که دارای اهمیت ویژه است و مع‌الاسف کمتر به آن پرداخته شده است - در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. در هر مرحله به ویژگی‌ها و آثار آن اشاره شده و تألیفات و مؤلفان جداگانه تحلیل گشته است و ارزش و مکانت این علم در میان علوم عربیت مورد ارزیابی قرار گرفته است.

صرف و تصریف در لغت

«صَرَفَ» در لغت مصدر فعل «صَرَفَ» ثلاثی مجرد و واژه «تصریف» «مصدر» «صَرَفَ» باب تفعیل است، صَرَفَ و صَرَّفَ از نظر لغوی هر یک بر معانی مشترکی چون تقلیب و تحویل و تغییر دلالت دارد، در کتب لغت می‌خوانیم:

صَرَفْتُ الصَّبِيانَ: قلبتهم، صَرَفَ اللهُ عَنكَ الِادِي: حوَّله، تصريف الرياح و السحاب: تحويلها من مكان الى مكان، تصريف الايات: تعيينها في اساليب مختلفة و صور متعددة و تبينها (ابن منظور، فيروز آبادی، زبیدی، «ماده صرف»).

به نظر می‌رسد در واژه تصریف، معنی تغییر بیشتر لحاظ شده؛ همان‌گونه که تحویل و تقلیب در واژه صرف گویاتر است.

اما در اصطلاح، واژه تصريف در كتب نحو بيشتر به كار رفته است، ابن جنى گفته است: تقريباً هيچ كتاب نحوى را نمى يابيم جز آن كه تصريف در آخر آن جا گرفته است (ابن جنى ۱۳۷۳: ۴).

در آغاز، تصريف به عنوان اسم براى علم صرف برگزيده شد و اين انتخاب تصادفى و بدون علت نبود، بلكه به اين جهت كه در اين واژه معنى لغوى كلمه بيشتر، مورد نظر اهل فن بوده است، يعنى همان معنى تغيير يك ساختار به بناء ديگر و يك مثال به مثالى ديگر و در تصريف معنى تغيير بيش از صرف لحاظ شده است. و از ديگر سوى تصريف مفيد معنى كاربرى و تمرين است.

و آنگاه كه دايره اين علم وسعت يافت و بعضى مسائلى كه به نظر مى رسد اصل تغيير در آنها كم رنگ شده است، در اين علم راه يافت، اصطلاح صرف به عنوان نام اين علم شهرت يافت، و اين تقريباً همزمان با استقلال علم صرف از علم نحو بود (ابن مالك، بى.تا: ۳۵۲).

تصريف بيشتر به جنبه عملى اين علم يعنى ساخت ابنيه و اشتقاق كلمات، مربوط است در حالى كه صرف با طرح اصول كلى و قواعد اصلى و شناخت مفردات، بيشتر رويكردى علمى دارد.

بنابراين، موضوع علم صرف كلمات عربى و حالات مختلف آن همچون اعلال و ادغام و اصالت و زيادت حروف تصرف و جوه و غيره مى باشد و هدف از آن شناخت صيغ مختلف واژه هاى عربى و توانايى ساخت شكل هاى مختلف از يك ريشه است.

روند پيشرفت علم صرف

علم صرف را مى توان از آغاز پيدائش تا وقتى كه مباحث آن در حد گسترده اى به ظهور رسيد، در سه مرحله مورد بررسى قرار داد:

- ۱- مرحله ادغام صرف و نحو.
- ۲- آغاز جدائى و فرايند استقلال علم تصريف.
- ۳- مرحله تكميل و پيدائش علم مستقل صرف.

۱- مرحله ادغام صرف و نحو

بدون شک کلام اجزایی دارد که بعضی مربوط به خود کلمه به صورت مفرد است و بعضی مربوط به ارتباط کلمه با دیگر کلمات است، اولی همان علم صرف و تصریف یا کلمه‌شناسی و دومی همان علم نحو و اعراب یا نقش‌شناسی است و به جهت همین ارتباط میان اجزاء کلام است که ادغام مباحث صرف و نحو را در دوره‌ای از ادوار علوم عربیت می‌یابیم، چرا که این هر دو در حقیقت مکمل صحت نطق براساس قیاس عربی است و بدیهی است که صحت یک بخش، ما را از اصلاح نطق در بخش دیگر بی‌نیاز نمی‌کند و از سوی دیگر، بیشتر این تألیفات هدفشان آموزش صحیح قواعد است، لذا در عرضه مطالب و طرح مباحث با هم تفاوت‌هایی دارند، لیکن در ماده اصلی و امهات قواعد معمولاً اتفاق نظر وجود دارد.

شاید بهترین تعبیر در علت ادغام این دو علم از ابوعلی فارسی باشد آن‌جا که در تعریف علم نحو گفته است: علم بالمقاییس المستنبطه من استقراء کلام العرب (الفارسی: ۸). نحو عبارت است از دانش مقیاس‌های برگرفته از استقراء کلام عرب.

این مرحله علم صرف در بردارنده کتب اصلی نحو است، که مباحث تصریف بدون تفکیک از مباحث نحو به‌طور پراکنده در این گونه کتب جای گرفته است. از جمله کسانی که آثارشان در این دوره و به این سبک به رشته تحریر در آمده است، می‌توان از دانشمندان زیر نام برد: سیبویه در الکتاب، میرد در مقتضب، ابن السراج در اصول.

دیگر کسانی که مباحث صرف و نحو را در یک کتاب جمع نموده‌اند، عبارتند از: صمیری در تبصره، زمخشری در مفصل، عکبری در لباب، ابن معطی در الفیه، ابن مالک در الفیه وکافیة و تسهیل، ابوحنیان در ارتشاف، سیوطی در همع الهوامع.

اگرچه در این تألیفات، تفاوت‌هایی از نظر ترتیب ابواب مباحث صرفی و نیز نکات مشترکی از نظر محتوا و طرح مسائل وجود دارد، لیکن به‌طور کلی پرداختن به مباحث علم صرف در این کتاب‌ها و مانند آن بسیار محدود و اندک است و بخش بسیار کمی از این کتب نحوی به علم تصریف اختصاص پیدا کرده است.

۱ - در خور یادآوری است از خلیل بن احمد فراهدی نیز کتابی به نام التصغیر و از مازنی کتابی به نام التصریف برجای مانده است که هر دو از کتب پیشگام در علم صرف است.

گفتنی است در تألیفات مرحله اول - ادغام صرف و نحو - با دو نوع عرضه مباحث

صرفی روبرو می‌شویم:

در کتب گروه اول مباحث صرفی پراکنده و متداخل با نحو آمده است - که شامل آثار سیبویه، مبرد و زمخشری می‌گردد - و در کتب دسته دوم ابواب صرف یک جا و نزدیک به هم گردآوری شده است، این بخش خود دو قسم است: نحو قبل از صرف، و صرف قبل از نحو، بنابراین در این بخش به بررسی آثار بعضی از این مؤلفان در سه بخش می‌پردازیم:

الف - صرف و نحو پراکنده

الكتاب سيبويه^۲

به کارگیری اصطلاح تصريف در نزد این گروه، بسیار محدود است و همان است که آن را قیاس لغوی می‌نامند. سیبویه ضمن بیان مسائل مطرح در علم صرف همچون ابنیه اسماء و افعال و اعلال، بخش صرف و تصريف را چنین آغاز کرده است:

هذا باب ما بنت العرب من الاسماء والصفات والافعال غيرالمعتله والمعتله و ما قيس من المعتل الذی لايتکلمون به و لم یجىء فی کلامهم الا نظيره من غيربابه و هو الذی یسميه اللغویون التصريف (سیبویه ۱۹۹۰: ۲۴۲).

سیرافی مقصود سیبویه را در تعریف تصريف چنین شرح می‌دهد: «و أما التصريف فهو تغيير الكلمة بالحركات و الزیادات و القلب للحروف التي رسمنا جوازها حتى تصير علی مثال كلمة اخرى» (محمدعبدالمطلب البكاء ۱۹۹۰: ۲۱۰). یعنی: تصريف عبارت است از تغییر واژگان با تغییر حرکات آنها یا افزودن حروف و یا جا به جایی آنها در یک کلمه، براساس قواعد مشهور زبان عربی تا آن کلمه مانند کلمه مشابه خود گردد. بنابراین، تصريف نزد سیبویه عبارت است از: تغییر کلمه - چه صحیح و چه معتل - از یک وزن به وزن دیگر، به شیوه و نظم عرب. از این رو، از نظر وی شناخت قوانین بدل،

۲ - سیبویه در روستایی به نام بیضا، در شیراز به دنیا آمد، دروس ابتدایی را در آنجا و یا در شیراز به اتمام رساند و در پی زیاده‌خواهی علمی در نوجوانی به بصره رفت و به جلسات درس فقها و محدثین ملحق گشت و نیز ملازم درس نحویان و لغویان گشت از جمله عیسی بن عمر و اخفش کبیر و یونس بن حبیب و به ویژه ملازم خلیل بن احمد گشت و همه نظریات صرفی و نحوی را از طریق استملا و استفتا فرا گرفت (ضیف: ۵۷).

حذف و قلب، در حقیقت یاری‌رسان علم تصریف است، نه این‌که بخشی از آن به‌شمار آید.

تقریباً همه مباحث علم صرف در الکتاب مورد بررسی قرار گرفته است، جز آن‌که این مباحث به‌طور پراکنده و هر کدام در جایی قرار گرفته است، که از نظر ترتیب متأخرین پراکنده و آشفته به نظر می‌رسد، لیکن باید دانست که مباحث صرفی نزد سیبویه در هر صورت دارای نظم منطقی خاص خود بوده است؛ اگرچه با ترتیب علمای پس از وی سازگاری تام ندارد.

مباحث تصریف نزد سیبویه در چهار بخش عرضه شده است:

۱- ابنیه؛ ۲- اعلال و ابدال؛ ۳- قیاس لغوی؛ ۴- ادغام

این چهار بخش از نظر ابواب و مباحث پیوسته و پی‌درپی آمده است و می‌توان دریافت که امام النحاه، سیبویه روش واحدی در ارائه مباحث صرفی در نظر داشته است. اولین باب از مباحث صرفی نزد وی مبحث نسبت است (سیبویه ۱۹۹۰: ۳۳۵).

وی عنوان اضافه را برای این باب برگزیده است، چرا که نسبت اسم را به وصف تبدیل می‌کند، از دیگر سوی، گویی آخر کلمه را که نسبت به حرف اول و وسط بیشتر در معرض تغییر است، در اولویت قرار داده است. و از این جهت است که بلافاصله پس از نسبت، به بحث افعال مضاعف پرداخته که بررسی تغییر آخر کلمه است (المرجع السابق: ۵۲۹). و پس از آن به تغییرات وسط کلمه پرداخته که در اسم مصغر متجلی است.

اصولاً از سلسله مباحث پراکنده در الکتاب و ترتیب آن‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که وی به اصل تغییر بسیار تکیه داشته و تلاش نموده مباحثی را گردآوری کند که در بردارنده این اصل است و ابنیه و ساختمان کلمات را تابع اصل تغییر قرار داده است. اصل تغییر، ارتباط مستقیم با نحو و لغت دارد و این دو تغییرات معنوی را مورد نظر قرار می‌دهند و تغییرات صرفی نیز غالباً اثر معنوی دارد.

نکته دیگر در الکتاب این است که مباحث مشترک مربوط به اسم و فعل و حرف را در یک مجموعه قرار داده و سپس مباحث حروف زاید و بدل را به عنوان خاتمه علم صرف ذکر کرده است.

مقتضب میرد^۳

میرد، دیگر دانشمند صرفی نحوی این گروه، تعریفی روشن از علم صرف به دست نداده است، جز آن‌که از فحوای عباراتش می‌توان استنباط نمود که آراء وی در این زمینه نزدیک به نظرات سیبویه است. وی را عقیده بر این است که بدل و زیادت و حذف و ابنیه، از علم تصریف نیست، بلکه این‌ها از جمله مباحثی است که در علم تصریف آمده است (میرد ۱۹۶۳: ۳۵).

مطالب صرفی در کتاب المقتضب با مباحث صرفی در الکتاب تفاوت آشکار دارد. ابواب صرف در این کتاب بسیار پراکنده و براساس نظم و ترتیب خاصی گردآوری نشده است. در این کتاب به عنوان مثال، ابنیه اسم ثلاثی مجرد ذکر شده و سپس حروف زاید مطرح و مواضع زیادت هر کدام تشریح گشته است، و سپس حروف بدل و... تا جایی که چنین تصور می‌شود که میرد مؤلف کتاب هر کدام از این ابواب را مستقل از هم نوشته و سپس دیگری آن‌ها را به هم پیوند داده است (المرجع السابق: ۶۱).

گفتنی است میرد بسیار متأثر از الکتاب سیبویه بوده است و ابواب و فصول هر دو کتاب تا حدودی به هم نزدیک و شبیه است و تنها تفاوت آن دو ترتیب مباحث است. البته چهار بحث در هر دو کتاب دارای ترتیب یکسان است و آن عبارت است از تصغیر، نسبت، اماله و ادغام، و دیگر مسایل مانند ابنیه، جمله، تثنیه و غیره در هر دو کتاب پراکنده است.

مفصل زمخشری^۴

کتاب مفصل زمخشری کتابی صرفی و نحوی است که مؤلف خود حاشیه‌ای بر آن نگاشته و این عییش آن را شرح کرده است. وی کتاب را بدون در نظر گرفتن صرف یا نحو و صرفاً بر اساس انواع سه گانه کلمه و وجوه افتراق و اشتراک آن‌ها به چهار بخش تقسیم کرده است:

۳ - میرد، محمد بن یزید ازدی امام نجاه بصره در سال ۲۱۰ هـ یا به دنیا گذاشت و از آغاز به فراگیری علم لغت نزد بزرگان بصره همت گمارد و به علم صرف و نحو بسیار علاقمند گشت و نزد ابو عمر الجرمی کتاب سیبویه را خواند، و پس از فوت وی به نزد مازنی رفت و مازنی به جهت حس تثبیت و استدلالی بودنش لقب میرد به کسر را به او داد سپس کوفیان از روی سوء نیت او را میرد به فتح راء تبدیل کردند.

۴ - محمود بن عمر در سال ۴۶۷ در زمخشر روستایی از خوارزم متولد شد و به آن منسوب شد و در آن‌جا رشد و نمو کرد و از همان کودکی به علوم لغوی و دینی روی آورد و در راه طلب علم به بخاری و بغداد سفر کرد و به مکه رفت و در آن‌جا کشف را در تفسیر قرآن تألیف نمود. کتاب سیبویه را نزد یکی از علماء نحوی اندلس فرا گرفت و از آن زمان تألیفات فراوانی عرضه نمود. به سرزمین خویش بازگشت و شهرتی جهانی پیدا کرد. دانشجویان از همه عالم با ادای احترام به منزلت علمی او برای فراگیری دانش به نزد او می‌آمدند تا آن‌که در سال ۵۲۸ هـ بجوار رحمت الهی شتافت.

- ۱ - بخشی درباره اسماء که مباحث صرفی آن عبارت است از: مثنی، جمع، مذکر و مؤنث، مصغّر، منسوب، مقصور و ممدود، مشتقات و ابتیه اسماء.
 - ۲ - بخشی درباره ابتیه افعال و معانی آن‌ها.
 - ۳ - بخشی درباره حروف و اقسام آن.
 - ۴ - بخش مشترک میان اسم و فعل، یعنی مباحثی مانند اماله، زیادت، وقف، ابدال، اعلال، ادغام تخفیف همزه، التقاء ساکنین.
- روشن است که براساس این تقسیم پس از خارج کردن بخش حروف که در صرف از آن سخن به میان نمی‌آید، مباحث صرفی تنها در سه بخش کتاب به چشم می‌خورد. زمخشری از نظر صرفی پیرو شیوة آمیزش مباحث صرفی و نحوی است؛ به این معنی که کتاب مستقلی در علم صرف ننگاشته و همچون اسلاف خویش مباحث هر دو علم که در حقیقت دارای وجه مشترک اصطلاح نطق عربی و آموزش دستور زبان لغت قرآن است با هم در آمیخته است؛ جز آن‌که وی از میان سه دانشمند معروف این شیوه یعنی سیبویه، میرد و زمخشری، دارای وضوح بیشتر در ترتیب مباحث است؛ و به نظر می‌رسد ترتیب کتاب زمخشری در ارائه مباحث صرفی همان ترتیب کتاب سیبویه است، با این فرق که زمخشری، در یک کار ابتکاری و بی‌سابقه، بحث را به ترتیب انواع کلمه شروع و طرح کرده است.

ب - نحو قبل از صرف

بیشتر مؤلفان کتاب‌هایی که میان صرف و نحو جمع کرده‌اند، با اندک تفاوتی که در شیوه ارائه مباحث با یکدیگر دارند، از روش تقدم نحو بر صرف پیروی کرده‌اند. برخی از دانشمندان این گروه عبارتند از: علماء زیر نام برد ابن السراج در کتاب اصول؛ صمیری در کتاب تبصره؛ عکبری در کتاب لباب؛ جزولی در کتاب جزولیه؛ ابوعلی شلوبین در توطئه؛ سیوطی در همع الهوامع. این گروه نیز در نحوه عرضه مطالب صرفی با هم تفاوت‌هایی دارند که متمرکز در چهار روش است و به نحو ایجاز به آن‌ها اشاره می‌گردد:

روش اول: شیوة ابن‌سراج (ابن‌السراج ۱۹۸۸: ۴۱۵) و صمیری (الصمیری ۱۴۱۴:

۵۸۵). در این روش مباحث تصریف به چهار بخش تقسیم می‌شده است:

- ۱ - مباحث متعلق به اسماء مانند نسبت، تصغير و جمع.
 - ۲ - مباحث مشترك میان اسم و فعل مانند اماله، وقف، التفاء ساکنین.
 - ۳ - ابنیه.
 - ۴ - تصريف که شامل الحاق زیادت، اعلال، ابدال و ادغام می‌گردد.
- روش دوم: شیوة ابن‌مالک در الفیه و تسهیل و کافیه. در این روش نیز موضوعات صرف به چهار بخش تقسیم گشته است:

- ۱ - مقدمات.
 - ۲ - تغییر به جهت معنی.
 - ۳ - امور مشترك.
 - ۴ - تصريف.
- روش سوم: شیوة سیوطی در همع الهوامع (السیوطی ۱۴۰۸: ۱۸). موضوعات صرفی این کتاب در چهار بخش به شرح زیر است:

- ۱ - ابنیه کلمات.
 - ۲ - حالات ابنیه.
 - ۳ - حالات آخر کلمه مانند وقف.
 - ۴ - تصريف.
- روش چهارم: شیوة جزولی در جزولیه و ابوعلی شلوین در توطئه، ترتیب مطالب در این کتب چنین است:
- تصغير، همزة وصل، نسبت، مقصور و ممدود، وقف، جمع، ابنیه، اشتقاق، اماله، تصريف و ادغام.

ج - صرف قبل از نحو

این شیوه یعنی تقدیم مباحث صرفی بر نحو در میان علماء شهرت نداشت. بدون شک یک علت تأخیر در رشد علم صرف، دشواری آن بوده است، علت دیگر آن است که فراگیری آن نسبت به علم نحو، به تعقل بیشتری نیاز دارد. از نظر تسلسل منطقی چون صرف مربوط به مفردات است و کلمه‌شناسی و نحو مربوط به صحت

ترکیب کلمات یا نقش‌شناسی است تقدم صرف بر نحو منطقی و ضروری به نظر می‌رسد و بدیهی است که شناخت مفردات تقدم رتبی بر ترکیبات دارد. و همین ادله است که ابوحنیفان^۵ را بر آن داشت که در کتاب ارتشاف، صرف را بر نحو مقدم دارد. وی در مقدمه می‌گوید: و حصرته - ای موضوع الكتاب - فی جملتين الاولى فی احکام الکلم قبل التركيب و الثانيه فی احکامها حاله التركيب.

۲- جدایی از نحو و پیدایش علم مستقل تصريف

در این مرحله زمینه‌های ظهور علمی مستقل از علم نحو و در یک کتاب جداگانه فراهم آمد. از جمله برجسته‌ترین دانشمندان این گروه که تلاش‌های در خور ستایش در راه تکامل علم صرف داشته‌اند و از خود آثاری گران سنگ بر جای نهاده‌اند، می‌توان از مازنی، ابوعلی فارسی و ابن جنی نام برد.

مازنی^۶ در کتاب التصريف همان اقسامی که سببویه ذکر کرده در هجده قسم آورده است که می‌توان آن‌ها را در چهار بخش اساسی برشمرد:

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱- ابنیه

۲- زیادت

۳- اعلال و ابدال

۴- قیاس لغوی

تفاوت میان سببویه و مازنی در این است که مازنی ابنیه اسماء مزید را ذکر نکرده و نیز جای بحث ادغام در کتاب او خالی است. در حقیقت مازنی نخواست به بحث جدیدی به کتاب سببویه بیافزاید، لیکن خواسته آن را به شکل دیگری که مناسب با متعلمین عصر خود باشد، در آورد.

۵- اثیرالدین محمد بن یوسف غرناطی اندلسی در گذشته به سال ۷۴۵ وی شاگرد ابوجعفر بن الزبیر و ابن الفزاع در نحو بود و نیز به تفسیر و حدیث و قرأت و تاریخ نیز روی آورد تا در همه آن‌ها به حدکمال رسید در جوانی به شمال آفریقا سفر کرد و در سال ۶۷۹ در قاهره ملازم شاگرد ابن‌مالک یعنی ابن نحاس گشت. تا جایی که کتب وی را از میان تألیفات متأخرین از برترین دانسته‌اند.

۶- بکر بن محمد بن بقیه متولد بصره و بزرگ شده آن‌جا است. از کودکی به جلسات درس نحاء و لغویان و نیز متکلمان می‌رفت، کتاب سببویه را نزد اخفش فرا گرفت و پس از وفاتش تنها دانشمند بصره در صرف و نحو گشت مازنی بسیار باهوش بود در جلسات مناظره شرکت می‌جست و از او آراء بسیاری بر جای ماند که نحویان آن‌ها را نقل می‌کنند.

ابوعلى^۷ كتاب التكملة على الايضاح را به علم صرف اختصاص داد و در اين كتاب يادآورى مى‌كند كه علم نحو عبارت است از علم به مقاييس برگرفته از كلام عرب، «علم بالمقاييس المستنبطه من استقراء كلام العرب» (الفارسي، بي.تا. ۱۸۱ - ۱۸۲) و بر دو قسم است:

۱ - تغييرات آخر كلمات.

۲ - تغييرات خود كلمات.

وى تغييرات آخر كلمات را به دو نوع تقسيم مى‌كند: تغيير به وسيله حركات و سكون و يا حروفى كه در اثر عامل به وجود مى‌آيد كه همان اعراب يا مباحث نحو است و قسم دوم تغييراتى كه بدون تغيير عامل ايجاد مى‌گردد مانند ساكن كردن متحركى و يا متحرك كردن ساكنى و يا ابدال حرفى به حرف ديگر يا زيادت حرفى، يا نقصان حرفى و جز اينها.

فارسي تغييرات خود كلمات را جزئى از نحو و در عين حال در مقابل اعراب مى‌داند و هيچ اسمى براى اين بخش پيشنهاد نكرده است و هيچ تقسيمى نيز براى آن ذكر نكرده است، با اين وجود وى اولين كسى است كه اين مباحث را در يك نظم واحد و به ترتيب زير گردآورى كرده است:

التقاء ساكنين، وقف و ابتداء، تخفيف همزه، تشنيه، جمع، نسب، عدد، مقصور و ممدود، مذكر و مؤنث، جمع مكسر، تصغير، مصادر، ابنه افعال، اماله، حروف زايد، ابدال و ادغام. پس اگر بتوانيم اين مباحث را تعريف نام نهييم، تعريف آن از سوي فارسي چنين است: «معرفة اواخر الكلم من غير ان يختلف العامل و التغيير الذى يصيب ذوات الكلم.» يعنى: شناخت حالات آخر كلمات، بدون در نظر گرفتن تغيير عامل و تغييراتى كه متوجه خود كلمات است.

و به اين صورت در مى‌يابيم كه مفهوم علم تعريف نزد ابوعلى وسعت يافت؛ ليكن هنوز به صورت علم مستقل از نحو نيست، بلكه در مقابل علم اعراب است، البته همين مباحث در كتاب سيبويه نيز مطرح شده است و تنها فرق اين دو در تسميه مجموع اين مباحث است.

۷ - حسن بن احمد بن عبد الغفار پدرش ايرانى و مادرش عربى بود در فسا از توابع استان فارس در سال ۲۸۸ هـ به دنيا آمد از كودكى به دانش روى آورد در سال ۳۰۷ هـ به بغداد كوچ كرد و به جلسات درس بصريانى چون ابن السراج و اخفش صغير و زجاج و ابن دريد و نقطويه رفت و آمد داشت و نيز جلسات درس بغداديان به ويژه درس ابن الخياط.

ابن جنی^۸ کتاب التصریف المملوکی را تألیف کرد. مفهوم تصریف نزد وی چندان از مفهوم آن در دوره اول دور نیست، وی در تعریف علم تصریف چنین می‌گوید: التصریف انما هو ان تجيء الى الکلمه الواحده فتصرفها علی وجوه شتی مثال ذلک ان تاتی الی ضرب فتنی منه مثل ضرب (ابن جنی ۱۳۷۳: ۴ - ۱۳). یعنی: تصریف آن است که کلمه‌ای را بگیری و آن را به صیغه‌ها و حالت‌های مختلف ببری، مثل آن‌که ریشه «ضرب» را ملحق به رباعی مجرد کرده و از آن «ضرب» بسازی.

تعریف ابن جنی چندان تفاوتی با نظر سیبویه و ابن السراج و مبرد ندارد و بدیهی است مقصود از تصریف در این دوره شناخت قواعد اشتقاق و ابنیه کلام عرب نیست، بلکه کار تصریف در این مرحله عبارت است از ساخت کلمات و ابنیه مختلف و اشتقاق واژه‌ها از یکدیگر و تدوین مثال‌های جدید از ابنیه سابق.

ابن جنی همان تقسیم ابن سراج را گرفته است و تصریف را در پنج بخش مورد بررسی قرار داده است.

۳ - مرحله تکمیل و پیدایش علم مستقلی به نام صرف

در این مرحله علم صرف کامل گشت تا علم مستقلی باشد و قسیم علم نحو گشت نه قسمی از آن. دانشمندان متأخر نحوی در زمره مرحله سوم روند پیشرفت علم صرف به‌شمار می‌آیند مانند: عبدالقاهر جرجانی، ابن عصفور، ابن الحاجب، ابن مالک و ابن هشام.

تألیفات معاصر علم صرف

علم صرف در حوزه‌های علمیه، اولین علمی است که طلاب علوم دینی با آن آشنا می‌گردند، کتاب‌هایی چون صرف میرسید جرجانی، تصریف زنجانی، شرح نظام ابن حاجب از مشهورترین کتب آموزشی این علم است.

۸ - ابوالفتح عثمان بن جنی موصلی پدرش رومی بود و لقبش تعریب واژه Gennaius یونانی است به سال ۳۲۰ هـ به دنیا آمد و چون پدر نشانه‌های هوش و ذکاوت در وی دید او را به علم‌آموزی روانه ساخت و دیری نپایید که نبوغش در علم لغت آشکار گشت به دروس همشهری خود احمد بن محمد موصلی می‌رفت به گمان قوی وی خیلی زود به بغداد رفت و به همان زودی به موطن بازگشت و در مسجد به طلاب درس می‌داد وی امام نجاه در عصر خود بود و به سال ۳۹۲ هـ وفات یافت.

بدیهی است در عصر حاضر نیز دانشمندان علوم عربی تلاش‌هایی در خور تحسین در علم صرف به جامعه اسلامی عرضه کرده‌اند که بعضی جنبه پژوهشی دارد و بعضی نیز به عنوان کتاب آموزشی تألیف گشته است. دسته‌ای از این تألیفات در کشورهای عربی ضرورتاً برای اهل زبان طراحی گشته و پاره‌ای دیگر در ایران و توسط غیراهل زبان تدوین گشته است و از جهتی بعضی مشتمل بر هر دو علم صرف و نحو است و تعدادی از این آثار خاص علم صرف، یا فقط علم نحو است. در ذیل به بعضی از این آثار اشاره می‌گردد:

تألیفات صرفی نحوی معاصر در کشورهای عربی

ابنیه‌الصرف فی کتاب سیویه: خدیجه الحدیثی، اوزان الافعال و معانیها: هاشم طه شلاش، تصریف الاسماء: محمد الطنطاوی، شذا العرف فی فن الصرف: احمد الحملاوی، علم الصرف: کمال ابراهیم، فی تصریف الاسماء: عبدالرحمن شاهین، القیاس فی الوان الجموع: عباس ابوالسعود، فی علم الصرف: دکتر امین علی السید، کشف المشکل فی النحو: علی بن سلیمان الحیدره، مبادئ العربیه: رشید الشرتونی، معانی الابنیه فی العربیه: فاضل صالح السامرائی، المغنی فی تصریف الافعال: محمد عبدالخالق عظیمه، المغنی فی علم الصرف: حمید مصطفی، المغنی الجدید فی علم الصرف: هاشم طه شلاش، النحو الوافی: عباس حسن، النحو الواضح: علی الجارم و مصطفی امین، جامع الدروس العربیه: مصطفی غلابینی.

اما تألیفات دستور زبان عربی در عصر حاضر که توسط مؤلفان ایرانی به زبان عربی یا فارسی نگاشته شده است، آن‌ها نیز یا ویژه یک علم است و یا هر دو علم صرف و نحو را به صورت مجزا و یا ترکیبی در بر دارد. برخی از این تألیفات نیز یا بیشتر جنبه آموزشی دارد و بعضی نیز صبغه تحقیقاتی و پژوهشی بر آن‌ها غلبه دارد. پاره‌ای از این آثار در مراکز علمی شهرت یافته و بعضی نیز از محیط جغرافیایی مؤلف یا فراتر نگذاشته است. در ذیل به پاره‌ای از این کتب اشاره می‌گردد:

کتاب صرف

اصول الصرف: علی اکبر شهابی، اعلال تفصیلی: محمد حسین روحانی، خودآموز تصریف: سعید سعیدی، زبان قرآن: حمید محمدی، صرف: حسین حسین‌زاده، صرف

برای دانشجو: سید محمد حسین رادمنش، صرف ساده: محمدرضا طباطبایی، صرف میزان: جلیل جراثیمی، کتاب الامثله و التصريف: مجمع علمی اسلامی^۹، الکلام اللطيف فی شرح التصريف: سید محمد جواد ذهنی، کتاب التصريف: مجمع علمی اسلامی، مباحث فی علم التصريف: محمود شکیب انصاری، الصرف الميسر: در دو مجلد، سید رضا نجفی.

کتاب نحو

اصول النحو: علی اکبر شهابی، قواعد عربی: سید محمد حسینی، الهدایه فی النحو: مجمع علمی اسلامی، نحو برای دانشجو: سید محمد رادمنش، نحو روان: احمد امین شیرازی.

کتاب صرف و نحو

صرف و نحو عربی: مراد ریاحی، صرف و نحو عربی: عباس ماهیار، صرف و نحو عربی: جعفر شعار، قواعد صرف و نحو: جمال زرعی، گامی به سوی قرآن: محمد رضایی، علوم العربیه: حسینی تهرانی، آموزش زبان عربی: آذرتاش آذرنوش، آموزش قواعد صرف و نحو: روح الله قربانی، صرف و نحو و اصول تجزیه و ترکیب: محمد خوانساری، صرف و نحو عربی: ماهیار.

النتیجة

مباحث صرفی پیوسته مورد عنایت دانشمندان قدیم و جدید بوده است. همه هدف علماء صرف و نحو در تدوین قواعد و ضبط کلام عربی، چیزی جز اصلاح نطق و بیان جنبه‌های بیانی و اعجاز زبان قرآن نبوده است. تقدیم نحو بر صرف در کتب قدما، جز به جهت آسان کردن کار متعلمان و آوردن نحو به عنوان تمهیدی بر صرف، نبوده است. چرا که فهم قواعد دشوارش نیازمند درک عقلانی فزونتری است. با بررسی کتب نحوی

۹ - گفتنی است کتاب‌های الامثله و التصريف و الهدایه در اصل جزیی از کتاب جامع المقدمات است که مجمع علمی به شیوة جدید آن‌ها را به چاپ رسانده است.

و صرفي شش شیوه در ارائه مباحث صرف تا قبل از اسقلال این علم از نحو، می‌یابیم: شیوة ابن سراج که با تألیف کتاب الاصول نام خود را به عنوان پیشوای ترتیب بدیع مباحث صرفی به ثبت رسانده، شیوة زمخشری که برای اولین بار ترتیب ابواب صرفی را براساس اسم و فعل و مباحث مشترک قرار داد، جز آن که مباحث صرفی آمیخته با نحو بود، شیوة ابن حاجب که نسبت به حالات ابنیه کلمه سبکی نو را در ارائه مباحث صرفی بنیاد نهاد، شیوة سیوطی که براساس ابنیه و حالات مختلف کلمات در چهار بخش ابواب صرف را بررسی کرده است، شیوة ابوحنیان که از جهت تقدیم صرف بر نحو منحصر به فرد است.^{۱۰}

المصادر و المراجع

- ابن جنی، ابوالفتح عثمان. ۱۴۰۳. الخصائص. الطبعة الثالثة. بیروت: عالم الکتب.
- _____ ۱۳۷۳. المنصف فی شرح کتاب التصريف. القاهرة: مطبعة مصطفى البابی الحلبي.
- ابن حاجب، جمال‌الدین عثمان بن عمر. ۱۴۱۵. الشافية فی علم التصريف. الطبعة الاولى. مكة المكرمة.
- ابن السراج، ابوبکر محمد بن السری السهل. ۱۹۸۸. الاصول فی النحو. الطبعة الثالثة. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن عصفور، علی بن مومن. ۱۹۸۷. الممتع. بیروت: دارالمعرفة.
- ابن مالک، محمد بن عبدالله. بی.تا. شرح التصريح علی التوضیح. القاهرة: دارالحیة العربیة.
- ابن منظور، ابوالفضل محمد بن مکرم. ۱۴۱۰. لسان العرب. الطبعة الاولى. بیروت: دارصادر.
- ابن عییش، موفق‌الدین عییش. بی.تا. شرح المفصل. بیروت: عالم الکتب.
- _____ ۱۳۹۳. شرح الملوكی فی التصريف. سوريا: المكتبة العربیة.

۱۰ - این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی دانشگاه اصفهان به شماره مصوب ۷۳۰۹۱۳ است که منجر به تولید نرم‌افزار بزرگ اعراب القرآن گشت و در بردارنده تجزیه و ترکیب همه کلمات نورانی قرآن و بررسی واژه‌ها از نظر صرفی و نحوی است. این نرم‌افزار جایزه ویژه خادم القرآن را از رئیس جمهور دریافت کرد.

- اندلسی، ابوحيان. ١٤٠٨. ارتشاف الضرب من لسان العرب. الطبعة الاولى. القاهرة: مطبعة المدني.
- رضی استرابادی. ١٤٠٢. شرح شافیه ابن حاجب. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- الرمانی. ١٤٠٨. شرح الكتاب. القاهرة: مطبعة التضامن.
- الزبيدي، محمد مرتضى. ١٤١٤. تاج العروس من جواهر القاموس. بيروت: دارالفكر.
- الزمخشري. ١٣٢٣. المفصل في علم اللغة العربية. الطبعة الاولى. مصر: مطبعة التقديم.
- سبويه، ابوبشر عمرو ابن عثمان بن قنبر. ١٩٩٠. الكتاب سبويه. بيروت: عالم الكتب.
- السيوطي، جلال الدين عبدالرحمن بن ابوبكر. ١٤٠٨. همع الموامع. الطبعة الاولى. بيروت: دارالكتب العلميه.
- الضميرى. ١٤١٤. التبصر هو التذكرة. الطبعة الاولى. مكة المكرمة.
- الفارسي، ابوعلی حسن بن احمد. بی. تا. التكملة. رياض: جامعه الرياض.
- فيروزآبادی، مجدالدين محمدبن يعقوب. بی. تا. القاموس المحيط. بيروت: دارالجيل.
- مبرد، ابوالعباس محمد بن يزيد. ١٩٤٣. المقتضب. بيروت: عالم الكتب.
- محمد عبدالمطلب البكاء. ١٩٩٠. منهج ابي سعيد السيرافي في شرح كتاب سبويه. بغداد: دارالشؤون الثقافية.